ف، هیرمند

۲۰۱۶/۱۱/۲۴

نقش رفع خشونت علیه زن در نظم عمومی جامعه

به بزرگداشت از ۲۵ نوامبر روز جهانی رفع خشونت علیه زن

در نظام حقوق بشر موقعیت حقوق زن و منزلت او در چنان مدرجی قرار دارد که واقعیت وجود هر دموکراسیی، به قبولی و رعایت جایگاه زن در مدرج حقوقی معینه اش منوط و مشروط گردیده است، نه از آن جهت که زن تقریباً نیمی از جامعهٔ انسانی را شکل می دهد بل به این جهت هم که زن بزرگترین منبع تلطیف و ملائم سازی محیط انسانی شمرده شده است، درست نقطهٔ مقابل خشونت.
زن مدارا، رواداری، گذشت، همدیگر پذیری، فراغت حوصله و تحمل، عفوه و بسیاری از خصایل نرم و مهربان انسانی را به انسان منتقل می سازد، زن نه به دلیل آنکه مادر مرد است، بل به این دلیل که سازندهٔ بخش عمدهٔ از شخصیت مرد را نیز مادر و یا زن است که آراسته میکند، در ریشهٔ انتظام عمومی جامعه سهم دارد.
به همین اسباب است که در نظام حقوق بشر متکامل امروزی، منع خشونت بر علیه زن خیلی جدی گرفته شده است، تحمیل خشونت بر زن، تعمیل خشونت در جامعه را مروج ساخته و به یک امر عادی و روزمره مبدل خواهد ساخت، اگر نگاه عمیق به جوامع خشونت زده انداخته شود ملاحظه میگردد که زن قربانی اول خشونت بوده و بعد این خشونت سرتاسری شده و دامن مرد ها را هم گرفته است، خشونت برعلیه زن نه برای آن بوده است که زن گویا ضعیف و ناتوان باشد؛ در این ممنوعیت خشونت بیشتر و بیشتر سهم و منفعت عمومی جامعه در حضور لطافت، ملائمت و نرمی محیط اجتماعی مد نظر بوده است که زن از نگاه احساس ها و عواطف، سر چشمهٔ عظیم عواطف واقعی انسانی است، منبعهٔ عشق و محبت است، سر چشمه و ریشهٔ مدارا و رواداری است.
به همین خاطر است که تقریباً در تمام اسناد حقوق بشری برای انسانی کردن محتوای هر چه بیشتر این اسناد به حقوق زن و آبشار سرشار عواطف انسانی آن رجوع شده است، اسناد برای غنای عاطفی و احساسی آن نیازمند رجوع به حقوق مدرن زن بوده است.
برای همین نیاز به لطافت های مندرج در حقوق زن است که سازمان ملل متحد روز بیست و پنجم نوامبر را برای تجلیل و برگزاری رفع خشونت علیه این سر چشمهٔ نیکویی های انسانی در تقویم کاری خود تکلیف نموده است، یعنی بزرگداشت از روز منع خشونت زن یک بزرگداشت، تشریفاتی و فورمالیته نیست و نه هم این بزرگداشت برای دلجویی و دلسوزی از زن می باشد زیرا این یک نیاز اشد ضروری جامعهٔ انسانی به عناصر ضد خشونت است که نظام حقوق بشر ناگزیر به تجلیل آن بوده است. با تجلیل از روز رفع خشونت علیه زن نظام حقوق بشر از سر ریشهٔ صلح و صفا و لطافت و نرمش محافظت میکند، تأکید بر این است که رفع خشونت بر علیه زن به این دلیل بی پایه متکی نیست که زن ضعیف است که بیچاره است که ناتوان و بی دفاع است، زن امروزی ثابت کرده است که بی دفاع و ضعیف نیست، می بینیم که نقش زنان در اکتشافات وا ختراعات علمی و هنری کنونی چه گسترده است، می بینیم که زنان با چه نیروی قوی جسمی و روحی در جبهات جنگ علیه خشن ترین نیرو های افراطی زمان ما می رزمند و جیگر ایشان از صد مرد و شیر غران بزرگتر و شجاعتر است، پس زن با عجز و زاری این حق مصون بودن از خشونت را بدست نیاورده است، جامعهٔ انسانی است که نیاز به مصونیت این مرجع و منبعه دارد.
متکی به همین استدلال است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در «اعلامیهٔ حذف خشونت علیه زنان» که با قطعه نامهٔ ۱۰۴/۴۸ مورخ ۱۹۹۴ خود آنرا اصدار نموده است در مقدمهٔ اعلامیه صراحت داده است که:« با آگاهي به نياز فوري به اينكه حقوق و اصول مربوط به برابري، امنيت، آزادي، تماميت، و وقار همه انسانها به طور جهانشمول در باره زنان اعمال شود...» و باز در همان مقدمه در جای دیگر:« با نگراني از اينكه خشونت عليه زنان مانعي در راه دستيابي به برابري، پيشرفت و صلح است...» این درک کاملاً وضاحت دارد که سوادگران آن قطعه نامه در مقدمهٔ آن به صراحت به این نیاز اساسی معترف بوده اند.
قطعه نامهٔ مورد نظر تمام مساعی خود را به خرج داده است تا تعریف جامعی از فعل "خشونت علیه زن" را ارائه کند، فهم مطلع بودن از محتویات این تعریف برای همه خاصتاً برای دست اندر کاران افراد و مراجع مبارزه علیه این

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

خشونت خیلی با اهمیت خواهد بود، در مادۀ اول قطعه نامه تعریف خشونت علیه زن را چنین می خوانیم:« در این اعلامیه، عبارت "خشونت علیه زنان" به معني هر عمل خشونت آميز بر اساس جنس است كه به آسيب يا رنجاندن جسمي، جنسي، يا رواني زنان منجر گردد، يا احتمال مي رود كه منجر شود، از جمله تهديدات يا اعمال مشابه، اجبار يا محروم كردن مستبدانه زنان از آزادي، كه در منظر عموم يا در خلوت زندگي خصوصي انجام شود .»
و در مادۀ دوم آن مشعر است :«تعبير خشونت عليه زنان بايد شامل موارد زير، اما نه محدود به اين موارد، باشد:
الف - خشونت جسمي، جنسي و رواني كه در خانواده اتفاق مي افتد، از جمله لت و كوب كردن، آزار جنسي دخترک ها در خانه، خشونت مربوط به جهيزيه، تجاوز توسط شوهر، ختنه زنان و ديگر رسوم عملي كه به زنان آسيب مي رساند، خشونت در رابطه بدون ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان.
ب - خشونت جسمي، جنسي و رواني كه در جامعه عمومي اتفاق مي افتد، از جمله تجاوز، سوء استفاده جنسي، آزار جنسي و ارعاب در محيط كار، در مراكز آموزشي و جاهاي ديگر، قاچاق زنان و تن فروشي اجباري.
ج - خشونت جسمي، جنسي و رواني، در هر جايي، كه توسط دولت انجام شود يا ناديده گرفته شود .»
به این ترتیب درک بعضاً سطحی، که گویا خشونت برعلیه زن، صرف به اعمال خشونت بار فزیکی محدود باشد، با فهم جامع از این مواد تصحیح میگردد، مخصوصاً نزد تعداد زیادی از افراد که به آگاهی های استندرد امروزی دسترسی ندارند، خشونت بعضاً صرف به رفتار های توام با لت وکوب و بزن و بکن درک و خلاصه میگردد، ولی طوری که دیدیم خشونت برعلیه زن دامنۀ وسیع دارد و انسان ها می توانند با فهم از مفاهیم دو مادۀ بالا به شناخت وسیع این دامنه آشنا شوند.
سوابق تصمیم بر تجلیل و برگزاری از روز منع خشونت علیه زن، حاکی است که ایدۀ برگزاری روز رفع و منع خشونت علیه زنان ازکار و مبارزۀ سه خواهر"میرابال" به نام های پاتریا، مینروا و ماریا ترزا از جمهوری دومینیکن می آید؛ این سه خواهر مبارز علی الرغم پیگرد ها، تکالیف و زندانی شدن های پیهم دست از مبارزه به خاطر منع بد رفتاری با زنان و مجادله برعلیه دکتاتوری رافایل دست بر نداشتند و مظالم زیادی را متحمل گردیدند، بالاخره این خواهران، ظاهراً در یک حادثۀ ترافیکی در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۶۰جان های شیرین شان را از دست دادند. این سه خواهر به سمبول مقاومت ملی زنان دوومینیکن مفتخر شدند.
در سال ۱۹۹۱ دو مرکز کار و زار جهانی برا ی زنان "مرکز هدایت جهانی زنان" و "موسسۀ جهانی زنان" بعد از جلسات ۲۵ نوامبر تا ۱۰ دسامبر، سرانجام طرح تجلیل روز رفع و منع خشونت علیه زنان را ترتیب نمودند تا بالاخره در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد همان میراث انسانی خواهران "میرابال" را گرامی داشته در قطعه نامۀ شماره ٥٤ تصویب نمود که روز ۲۵ نوامبر به حیث روز تجلیل از رفع خشونت علیه زنان تثبیت و برگزار گردد.
سرزمین ما افغانستان که در وضعیت خشونت باری قرار دارد، آماج بارش عمدۀ این خشونت ها مادران و خواهران ما یعنی زنان وطن ما می باشند، هر وقتی به آمار و ارقام خشونت زده ها و قربانیان خشونت در وطن ما نگاه میکنیم، دیده می شود که با صد درد و دریغ زنان سرزمین ما قربانیان اولی و عمدۀ این خشونت ها می باشند، خشونت بر زنان در افغانستان از مواضع و جبهات متعدد "حالت جنگ" و "حالت صلح" مورد تعرضات و حملات خشونت آمیز قرار میگیرند، از جبهۀ عنعنات خرافاتی و کهنه، از سنگر مرد سالاری، از رفتار های مروج نابرابری جنسیتی، در محیط فامیل، از اتماسفییر عقب ماندگی عمومی رسمی حاکم بر جامعه، از دفاع نا کافی و خنثی مراجع رسمی از زن در برابر خشونت، از فقدان آگاهی کافی زنان از حقوق اصلی و نحوۀ مناسب دفاع از این حقوق و... زن افغان قربانی این همه منابع خشونت قرار دارد، به اضافۀ حضور و تداوم جنگ فرسایشی تقریباً کمتر از چهل سال و عروج افراطیت و رسمیت بخشیدن ایدیولوژیک زن ستیزی، زن کشور ما این همه خشونت را متحمل می شود، این مادر، این خواهر، این همسر، این همفسر، این سر چشمۀ عشق و صفا و مهربانی و ظرافت های انسانی و سمبول مهربانی، در وطن ما زیر پا می شود، این زن باید قوی ترین زن دنیا باشد.
در یکی از از منابع نشرات کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می خوانیم:
« مجموع آمار انواع خشونت عليه زنان، كه از قضايای ثبت شده شاكيان خشونت عليه زنان در شش ماه نخست سال ١٣٩٤ به دست آمده است، به ٢٥٧٩ مورد می رسد. اين رقم در شش ماه نخست سال ١٣٩٣ به تعداد ٢٤٠٣ مورد بود كه ٧,٣٢ در صد افزايش را در سال ١٣٩٤ نشان ميدهد.
از مجموع آمارهای ثبت شده خشونت عليه زنان در جريان شش ماه نخست سال ١٣٩٤ ، به تعداد٧٣١ مورد آن ها را، كه مشتمل بر ٢٨,٣٤ درصد كل موارد ثبت شده خشونت عليه زنان می باشد، خشونت های فزيكی و جسمی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

تشکیل می دهند. به تعداد ۱۸۳ مورد دیگر نیز که حدود ۷,۱۰ درصد کل موارد خشونت علیه زنان را تشکیل مي دهند، شامل انواع خشونت های جنسی بوده و ۹۰۰ مورد دیگر نیز که حدود ۳٤,۹۰ درصد کل موارد خشونت علیه زنان می شوند، شامل خشونت های لفظی و روانی می باشند. همچنین ۵۵۰ مورد، که شامل ۲۱,۳۳ درصد کل موارد خشونت علیه زنان می شود، خشونت های اقتصادی بوده است. بقیه ۲۱۵ مورد دیگر، که ۸,۳٤ درصد مجموع موارد را تشکیل می دهد، مشتمل بر سایر انواع.»
آمار بالا نشان میدهد که خشونت بر علیه زن در در وطن ما تا هنوز در حال صعودی است به عبارۀ دیگر در این عرصه تا هنوز ما قوس کامل انحطاط را نه پیموده ایم و تا رسیدن به منزل مقصود راه دور ودرازی را در پیش داریم.
تقریباً دوهفته قبل قانونی بنام "قانون منع آزار و اذیت زنان و کودکان" در ولسی جرگۀ افغانستان جهت مبارزه علیه خشونت بر زنان و کودکان به تصویب رسید که برعلاوۀ جریمۀ نقدی مجازات حبس نیز برای مرتکبین آن پیش بینی شده است. قبل از این قانونی به نام "منع خشونت علیه زنان" توسط یک فرمان تقنینی رئیس جمهور وقت حامد کرزی نافذ گردیده بود که توسط همین ولسی جرگۀ فعلی به دلایل سیاسی، جناحی و اندکی هم به سبب نگرش های عقبگرایانه منسوخ شد. حالا این قانون جدید دیده شود که چه مزایا ومضاری را نسبت به قانون منسوخ شدۀ قبلی خواهد داشت.
یکی از کوتاهی ها در جست و جوی راه حل های ما این است که ما به طور میکانیکی حل قضایا را بردوش قانون میگذاریم و سعی نمی کنیم، طرق اجرای سهل و سادۀ قانون را به دسترس مراجع تطبیق قانون قراردهیم و دیگر اینکه به سراغ چندین راه حل نمی رویم، تا از هریک راه حل ها در محل و وضعیت آن استفاده کنیم، تطبیق قانون و نحوۀ اجرای آن از یک سو و ارتقای تربیتی و فرهنگی متخلفین خشونت علیه زنان و کودکان و فراهم سازی شرایط بهتر اجتماعی در رفع نیاز های نسلی که قربانی خشونت است و تأمین محیط آرام که خشونت فرصتی برای ظهور و بروز برای خود نیابد و شاید راه حل های دیگر... و اما در راه مبارزه به خاطر رفع خشونت علیه زن از یک نیرو یا استفاده نه شده و یا به طور ناچیزی کار گرفته شده است، کاربرد این نیرو یقیناً در سرنوشت عمومی سهم زن در روند تکامل موقف و حقوقش تعیین کننده است و آن نیرو قوۀ مبارزۀ خود زنان به خاطر حقوق و دفاع از خود شان می باشد.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ